روزنه

سیاست یک بام و دو هوای دولت در قبال جامعه پزشکی

● دکتر محمدرضا دیدبان‌اردکانی، رئیس نظام پزشکی شیراز و رئیس شورای هماهنگی استان فارس، در نامه‌ای به رئیس سازمان نظام پزشکی، درباره درصد اعلام‌شده برای افزایش تعرفه‌های پزشکی، نکاتی را یادآور شده است. در این نامه که در اختیار روزنامه «شرق» قرار گرفته، آمده است:

جناب آقای دکتر رئیس‌زاده، ریاست محترم سازمان نظام پزشکی جمهوری اسلامی ایران، با سلام احتراما پیرو زمزمه‌های تصویب احتمالی افزایش گلوبال ۱۰-۷ درصدی تعرفه‌های پزشکی برای سال ۱۴۰۱، موارد ذیل به استحضار رسانیده می‌شود: الف- در چندساله اخیر، با اجرای تعرفه‌های دستوری و کاملا غیرواقعی و درعین‌حال تحمل تورم بی‌سابقه در تمام ابعاد و اجزای زندگی حرفه‌ای و شخصی، تاب‌آوری جامعه پزشکی در بخش خصوصی به انتها رسیده، و ورشکستگی محتوم و قریب‌الوقوع این همکاران و در نتیجه بستن اجباری مطب‌ها، دفاتر کار و برخی از درمانگاه‌ها و بیمارستان‌ها دور از انتظار نیست. ب- با وجود اینکه مطب‌ها و مراکز درمانی در بخش خصوصی، از یک سو مراکز کارآفرینی محسوب می‌شوند که تعهدات‌شان نسبت به پرسنل، از قوانین کشوری و مصوبات هیئت دولت و شورای عالی کار تبعیت می‌کند و به طور سالانه هم شاهد افزایش تعهدات کارفرما (همان جامعه پزشکی کارآفرین) نسبت به پرسنل خویش هستیم؛ اما متأسفانه این کارفرمایان، در تعیین تعرفه خدمات خویش در حوزه سلامت (که تنها راه درآمدزایی ایشان است) کاملا دست‌بسته محدودیت‌های اعمال‌شده و تعرفه‌های غیرواقعی تحمیلی از سوی همان هیئت دولت هستند. این فشار دوسویه وارده به جامعه پزشکی در نتیجه اتخاذ سیاست یک بام و دو هوای دولت در قبال یک صنف است که دانسته یا ندانسته، عزم خود را برای به‌زمین‌زدن جامعه پزشکی و متعاقبا افزایش چشمگیر آمار بی‌کاری پرسنل شاغل در مراکز درمانی، جزم کرده است. ج- ضمن تأکید بر تضییع هرساله حقوق جامعه پزشکی در بخش خصوصی در دهه گذشته که عامل کاهش امید و انگیزه ادامه فعالیت و به تبع آن ایجاد مشکلات معیشتی برای آنها بوده است و درحال‌حاضر نیز مجبور به چشم‌پوشی از این حقوق پایمال‌شده قبلی هستیم، به‌صراحت اعلام می‌کنیم اگر افزایش تعرفه برای سال ۱۴۰۱ کمتر از همان میزان ۶۰ درصدی باشد که براساس کار کارشناسی معاونت فنی آن سازمان پیشنهاد شده است، بی‌شک امکان ادامه فعالیت حرفه‌ای برای بخش کثیری از همکاران جامعه پزشکی مقدور نخواهد بود و قطعا شاهد تعطیلی‌های گسترده ناشی از ورشکستگی در بخش خصوصی و تبعات ناشی از آن خواهیم بود. د- حضرت‌عالی بیشتر اشراف دارید که در صورت پافشاری بر اجرای تعرفه‌های دستوری و بعضا در شرایط استیصال جامعه پزشکی، از یک سو احتمال وسوسه تقاضای دریافت وجوهی خارج از تعرفه مصوب، در برخی از همکاران بیشتر می‌شود و از سوی دیگر ممکن است شاهد اقدامات تشخیصی بی‌دلیل یا درمان‌های اضافه یا کاهش کیفیت درمان باشیم. حتی شرایطی پیش می‌آید که دیگر جامعه پزشکی دلیل و توجیهی برای باقی‌ماندن سرمایه خویش- همان قیمت ملک مطب‌ها و مراکز، اجاره‌بها و تجهیزات- در بخش خصوصی سلامت نداشته باشد و طبعا افرادی خارج از صنف و صرفا با هدف واهی درآمدزایی نجومی از خدمات سلامت، اقدام به سرمایه‌گذاری و تأسیس مراکز تشخیصی-درمانی کنند و با به‌کارگیری جامعه پزشکی، عامل بروز مشکلات متعددی در روابط کار با ایشان، درمان‌ها و اقدامات تشخیصی تحکمی و نهایتا آسیب‌های وارده بر مردم و بیماران خواهد شد که این معضلات هریک، به‌تنهایی چالشی بزرگ هم برای سازمان و واحد انتظامی آن و همچنین دریافت‌کنندگان خدمات سلامت، قلمداد خواهد شد. ه- با پیش‌بینی ادامه روند افزایشی تورم موجود در سال آتی و همچنین با شنیدن زمزمه افزایش مالیات‌ها یا ایجاد انواع مالیات‌های نوظهور در سال آتی، شاهد استفاده بهینه دولت از انواع روش‌های درآمدزایی پیدا و پنهان، آن هم در شرایط فشار اقتصادی شدید بر مردم، خواهیم بود. چگونه است دولتی که برای جلوگیری از اعلام ورشکستگی خویش، برای افزایش درآمدزایی‌هایش با توسل به ایجاد تورم و سیاست‌های مالیاتی و فشار همه‌جانبه به مردم، برای خود هیچ مهاری قائل نیست؛ اما با توجیه ناتوانی مردم از پرداخت هزینه‌های درمان، تعرفه مصوب سلامت را کسری از قیمت واقعی خدمات سلامت اعلام می‌کند و رسما یارانه خدمات سلامت را از جیب و از تن و بدن جامعه پزشکی تأمین می‌کند و در یک کلام کمر به ورشکستگی محتوم جامعه پزشکی بخش خصوصی بسته است؟! در انتها ضمن قدردانی از حضرت‌عالی در پافشاری بر تعیین و تصویب قیمت واقعی یا نزدیک به واقعی خدمات سلامت، آمادگی کامل خود را برای هرگونه اقدامی که به مصلحت جامعه پزشکی و البته در نهایت به مصلحت کل جامعه باشد، اعلام می‌کنیم.

***دکتر محمدرضا دیدبان‌اردکانی، رئیس نظام پزشکی شیراز و رئیس شورای هماهنگی استان فارس**

سکه رایج اتهام‌زنی

ادامه از صفحه ۴

برای مثال در دوره احمدی‌نژاد من همیشه می‌گویم در چارچوب آن سیاست‌هایی که داشتند مثلا انگار آسیب‌های اجتماعی و سرپوش‌گذاشتن بر آن یا تقلیل‌دادن مسائل زنان به گروه یا گروه‌های خاص، خوب عمل کردند که خب این در آن دوره یک سیاست بود که ما این را کنار گذاشتیم و یکی از دلایلی که متهم به سیاه‌نمایی شدیم این بود که به این شیوه برخورد کردیم که بیاییم برای جلب توجهات و ایجاد حساسیت نسبت به مسائل و آسیب‌های اجتماعی حوزه زنان و خانواده قدم برداریم. حالا مجموعه همایش‌ها و فعالیت‌هایی که در این چارچوب انجام شد و نشست‌های تخصصی همه با این هدف بود. چرا؟ چون می‌خواستیم تمام ظرفیت‌ها را به کار بگیریم. این حساسیت ایجاد شود، عده و عُده معاونت را که همه می‌دانند و خانم شجاعی و خانم ابتکار هم تا حدودی اشاره کردند. نیاز به این جلب توجه و ایجاد حساسیت داشتیم برای اینکه بتوانیم از تمام ظرفیت‌های ملی، منطقه‌ای، بین‌المللی، دانشگاهی، غیردولتی و بخش خصوصی همه را به کار گیریم تا بتوانیم گوشه‌ای از کارهایمان را به سامان برسانیم چون ما در وضعیتی دولت را تحویل گرفته بودیم که اواخر اجرای برنامه پنجم توسعه بود. ماده ۲۳۰ تدوین شده بود که بسیار کلی‌گویی و بسیار آرمان‌گرایانه بود و حدود ۱۴ محور را برای معاونت تبیین کرده بود که باید اقدامات لازم را در آن ۱۴ محور در طول برنامه پنج‌ساله توسعه به سروسامان برساند. برخلاف برنامه چهارم توسعه‌ای که متأسفانه در دولت قبلی کنار گذاشته شد و در واقع مفاد آن بر زمین ماند، ما این تعهد را داشتیم که به‌عنوان یک سند بالادستی مخصوصا اینکه سیاست کلی برنامه پنجم هم تقویت نهاد خانواده و جایگاه زن در آن و در عرصه‌های اجتماعی و استیفای حقوق شرعی و قانونی زنان در همه زمینه‌ها و توجه به نقش سازنده زنان بود؛ این را تا آخر ایستادیم و حالا آمدیم کارگروه‌های تخصصی ۱۴گانه را راه‌اندازی کردیم که بعدا هم متهم شدیم که هدفتان چه بوده و به کجا می‌خواستید برسید. حتی برای ابتدایی‌ترین اقدامی که یک مدیر باید انجام بدهد که آن تشکیل کارگروه است، به عنوان اتهام برای من مطرح شده بود. این خیلی جالب است، کجای دنیا با یک مدیر این‌طور برخورد می‌کنند که چرا کارگروه تشکیل دادید؟! چرا نشست منطقه‌ای ترویج همکاری‌های شبکه‌ای را داشتید؟! هدفتان از شبکه‌سازی چه بود؟! چرا منطقه‌ای‌اش کردید؟! چرا تخصصی‌اش کردید؟! با انواع و اقسام چراها ما در مسیر حرکتمان مواجه بودیم و بعد از اتمام دوره که هنوز هم که هنوز است پاسخ‌گو هستیم.

به‌هرحال داشتم این را می‌گفتم که با آسیب‌شناسی برنامه‌های توسعه‌ای به برنامه ششم رسیدیم. یک فرقی که هم با دولت دوازدهم و هم با دولت قبلی داشتیم، زمانی است که تدوین برنامه ششم از ما گرفت. بلافاصله در شروع مسئولیت، ما وارد فاز تدوین برنامه ششم توسعه شدیم که خانم زهرا شجاعی هم جلساتمان را می‌آمدند و توانستیم ماده ۱۰۱ که معاونت را تا حدودی به مأموریت‌های اصلی خودش نزدیک می‌کند از آن مأموریت‌های کلیشه‌ای و مناسبتی خارج می‌کند، این را توانستیم به کُرسی بنشانیم که بعد هم زحمت تدوین و ابلاغ شاخص عدالت جنسیتی بر عهده زنان در دولت دوازدهم... چون دیگر دوره ما به اتمام رسید و واقعا هم خیلی با دقت و با وسواس و با همتی که داشتند، توانستند این تدوین را انجام دهند. ما دوره آموزشی داشتیم... فهرست آموزش‌های حقوق انسانی به زنان و دختران با همکاری دفتر یونیسف در تهران بود. من مدیر امور بین‌الملل بودم که در واقع کاملا بومی برخلاف آنچه یکی از این خانم‌ها ادعا می‌کند برخلاف شرع و فرهنگ و قوانین کشورمان آمدند این دوره‌ها را برگزار کردیم ما کاملا بومی کردیم. استادان و مدرسانی که انتخاب کردیم، فقط ایده را به آنها دادیم. محورها را دادیم. یک متنی را یونیسف داده بود و ترجمه هم شده بود. این عناوینی داشت که حدود ۱۲ حوزه است و در این چارچوب حقوق انسانی زن در خانواده، بهره‌مندی از بهداشت، تولیدمثل و فعالیت جنسی، زنان جوان و دختران، رهایی از خشونت، سیاست، زندگی عمومی و رسانه‌های گروهی، زنان پناهنده آواره و مهاجر، زنان و اقتصاد، زنان و کار، زنان و محیط زیست، بهره‌مندی از آموزش و پرورش و حقوق انسانی زنان درمورد مساوات و عدم تبعیض. این مجموعه محورهایی بود که ما به مدرسان‌مان ابلاغ کردیم و از آنها خواستیم یک پکیج بومی برای ما آماده کنند چون یک شیوه جالبی هم با عنوان پروژه «اقدام محلی، تغییر جهانی» ارائه کرده بودند؛ کار گروهی داشت، تمرین داشت و در واقع کار تیمی را هم آموزش می‌داد ضمن اینکه این مفاهیم و مضامین را به آموزش‌گیرندگان یاد می‌داد که اینها بیایند از مثال‌های بومی و از قوانین خودمان استفاده کنند و واقعا هم استقبال شد. متأسفانه اصلا ما تمام شهرها را نتوانستیم اجرا کنیم و فقط فکر می‌کنم یک دوره اجرا کردیم آن هم با همکاری استانداری‌ها و دانشگاه‌های کشور. به روستاها که اصلا نرسید که ادعا شده دختران روستایی را در معرض آموزش‌های جنسی قرار داده! هیچ‌گاه فعالیت‌های ما دیده نشد یا قرار نبود دیده بشود. همیشه با عینک سیاسی و جناحی ارزیابی و قضاوت شد و متأسفانه حالا هم جنبه تسویه‌حساب سیاسی پیدا کرده است. حالا یکی از بدشانسی‌ها این بوده که منِ نوعی به‌عنوان پستی که داشتم یا مسئولیتی داشتم... در لایحه دفاعیه‌ام هم نوشته بودم... اینها با دو فرض موهوم و غلط من را سیبل حملات خودشان از همان ابتدا قرار دادند. اولا فمینیست‌بودن، دوما عضو جبهه مشارکت. حالا من واقعا عضو جبهه مشارکت هیچ وقت نگفتم که نبودم، ولی واقعا نبودم چون سال ۸۰ پروانه فعالیت جمعیت حمایت از حقوق بشر زنان را آقای موسوی‌لاری امضا کردند و از زمانی که من آنجا بودم، دیگر عضو هیچ حزبی نشدم. من کمیسیون زنان جبهه مشارکت را می‌رفتم چون برای تدوین منشور زنان (خدابیامرز خانم ماشینی) دعوتم می‌کرد و من هم هر دو هفته یک بار شنبه‌ها به کمیسیون زنان می‌رفتم ولی من هیچ‌وقت فرم جبهه مشارکت را پر نکردم که عضو رسمی‌اش محسوب شوم؛ ولی این فرض را همیشه درباره من داشتند. یعنی اینها گذاشتند هرچه اتهام بود وارد شد، تل‌انبار شد و بعد تبدیل به یک پرونده قطور با انواع اتهامات (به قول خانم شجاعی اتهامات بی‌شرمانه از جمله ترویج فساد و فحشا که مصداق آن همین نشست تخصصی است) شد که حتی عنوان دقیق نشست ما را به کار نمی‌برند.

◣ این برگزاری جلسه برای ترویج روسپیگری از کجا آمد؟

می‌گویند نشست حمایت از روسپیگری؛ درحالی‌که نشست ما نشست تخصصی سلامت زنان و رفتارهای پرخطر با تأکید بر ایدز بود. اولین نشست تخصصی بود که دیگر هم تمام شد و ما دیگر در کارگروه آسیب‌های اجتماعی‌مان نشستی برگزار نکردیم. می‌خواست ادامه پیدا کند چون سلسله‌نشست طراحی کرده بودیم. عنوان دقیق به کار نمی‌برند. بعد آن بحث تصویر که اشتباهی در کانالم کار شد؛ تصویر گرافیکی سازمان ملل راجع به روز جهانی خانواده که عنوان آن را در کیفرخواست من «ترویج هم‌جنس‌گرایی» گذاشتند که این دو اتهام من به دادگاه کارکنان دولت/ مجتمع قضائی کارکنان دولت شعبه ۱۰۵۷، کیفری ۲ ارجاع داده شد و در مهر ۱۳۹۲ دادگاه من برگزار و ششم مهر دادنامه من صادر شد. دادنامه من تبرئه از این اتهام برگزاری نشست تخصصی به قول اینها حمایت از روسپیگری است الان دادنامه من هست که من آن را رسانه‌ای نکردم و منتظر بودم این یکی کیفرخواستم که به دادگاه انقلاب رفته تکلیفش روشن شود و همه را با هم توأمان منتشر می‌کنم.

این خانم می‌آید در آنجا این را مطرح می‌کند که فلانی آمده و نشست تن‌فروشی... حالا این را هم نمی‌گویم که حمایت از روسپیگری و می‌گوید نشست تن‌فروشی! این خانم باید بیاید در دادگاه ثابت کند که در چه زمانی، کِی و از چه محلی و کدام اعتبارات ما بودجه تعیین کردیم. دیگر دوره بزن‌دررویی گذشته که بیاید همین‌جور اتهام وارد کند. باید در دادگاه سند و مدرک بیاورد. البینه علی‌المدعی؛ ما نمی‌توانیم فقط بشنویم و رد شویم و بگوییم دروغ گفته، دروغ‌نمایی کرده و وارونه‌نمایی کرده است! حالا ان‌شاءالله این را در دادگاه خواهیم دید و منتظر هستیم که ایشان با دست پر و محکمه‌پسند بیاید ادله خودش را اثبات کند.

نشست تخصصی که اشاره کردم؛ دادگاهش برگزار شد. قبل از کیفرخواست اولا که محتوای پرونده من در یک اقدام فراقانونی روی توییتر رفت. یک خانمی در آنجا همه را روی توییتر برد؛ یعنی هنوز من و وکیلم از محتوای کیفرخواست مطلع نشده بودیم که دیدم ایشان توییت کرده؛ بعد هم که #محاکمه مولاوردی را راه انداخت و تحصن در جلوی قوه قضائیه شب قدر و از این برنامه‌ها. جالب است ایشان الان که پست گرفته، دیگر آرام شده و یعنی دیگر اصلا توییت نمی‌زند! بعد #محاکمه روحانی را به راه انداخت و از این حرف‌ها و واکسن نزنیم و... . بعد؛ خبرگزاری فارس در یک اقدام فراقانونی آمد مراتب صدور کیفرخواست من را قبل از اینکه به من یا به وکیل من ابلاغ شود، رسانه‌ای کرد که من مراتب این اقدامات فراقانونی را در آن زمان به رئیس وقت قوه قضائیه یعنی آقای رئیسی گزارش دادم. تمام این مراحل را مرحله به مرحله هم به آقای رئیسی، صدور کیفرخواست، دادسرا، دادگاه، تجدیدنظر و هر اتفاقی که افتاده را جداجدا گزارش کردم و هم به آقای اژه‌ای که چون از دفترشان هم تماس گرفتند... از فعالان سیاسی که نظر خواسته بودند، من یکی از مواردی را که به عنوان مصداقی از آنچه در قوه قضائیه می‌گذرد، منعکس کردم هر اتفاقی که افتاده را.

اصلا چرا ما در آسیب‌های اجتماعی به این شکل ورود کردیم؟ از ابتدای دوره که من وارد شدم، درباره نگران‌کننده بودن روند آسیب‌های اجتماعی و تأنیث آن، یعنی زنانه‌شدن برخی از این آسیب‌ها، گزارش می‌شد و به‌ویژه در بحث ایدز، ما گزارش‌های رسمی و مستند داشتیم که الگوی ابتلا دارد از تزریق به تماس جنسی تغییر پیدا می‌کند؛ آن‌هم در چارچوب خانواده و روابط فرازناشویی که مردان خانواده بیرون از خانواده دارند و این ویروس را دارند به همسرانشان انتقال می‌دهند بدون اینکه همسران هیچ نقشی در این قضیه داشته باشند و در واقع دارند قربانی این قضیه می‌شوند و تعدادشان رو به افزایش بود. ما آمدیم این نشست را طراحی کردیم و خلاصه از ابعاد پزشکی، جامعه‌شناسی و حقوقی، سه، چهار نفر سخنران را دعوت کرده بودند که من خودم حضور نداشتم و برنامه دیگری در مؤسسه مطالعات و تحقیقات زنان داشتم که برگزار شد. خیلی جالب است، اولا که آن سایر ابعاد اصلا دیده نشد و بالاخره چند تا حقوقی بوده، جرم‌شناسی بوده، خانم دکتر داوودی بررسی کرده، جامعه‌شناسی خانم شادی‌طلب بوده و پزشکی مباحثی که خانم خداکرمی مطرح کرده، اصلا دیده نشد و به آن پرداخته نشد و فقط آمدند دو، سه فراز از جملات خانم دکتر محرز که آن زمان رئیس مرکز تحقیقات ایدز بودند که ایشان کارشناس ارشد این حوزه هستند و به‌عنوان صاحب‌نظرترین کسی که در این حوزه هست، این را برجسته و بزرگ‌نمایی کردند و خلاصه دیگر برای ما داستان شد. حالا من در ادامه خواهم گفت که این استانداردهای دوگانه‌شان به چه شکلی است.

فردای آن روز بود که ناگهان دیدیم بیانیه دبیرخانه شورای فرهنگی اجتماعی زنان صادر شد؛ درحالی‌که من عضو شورا بودم، نماینده رئیس‌جمهور بودم و در جلسات هم عمدتا شرکت می‌کردم. اصلا جلسه‌ای در آن فاصله برگزار نشده بود. دبیرخانه چطور می‌تواند بدون نظر اعضای شورای فرهنگی اجتماعی زنان بیانیه صادر کند؟ البته این کار را دائم دارند می‌کنند؛ یعنی کارشان است، ولی آن زمان برای من سؤال بود که این جلسه کِی بوده و کِی بیانیه نوشته شده و چه کسی نوشته و کِی ما به‌عنوان عضو نظر دادیم. بیانیه بسیار تندی که جنگ با خدا و همین بحث‌ها که اینها دارند قانونی می‌کنند، کارت سلامت می‌خواهند به زنان روسپی بدهند و آنجا واژه sex-worker به کار برده شده و توهین به کارگران شده و از این حرف‌ها. خلاصه گزارش به دفتر بررسی‌های رهبری رفته بود. از ما گزارش خواستند که ما در واقع متن پیاده‌شده نشست را هرچه سخنرانان انجام دادند، من متن کاملش را دارم که جزء پیوست لایحه‌ام بوده و این متن کامل صحبت‌های سخنرانمان است، همه را برای دفتر رهبری فرستادیم و (این پیوست‌ها همه در لایحه دفاعیه‌ام هست که آورده‌ام) شد یکی از آن اتهامات من که رفت جزء آن پرونده‌هایی که برایم باز شد. ما سال ۹۴ این نشست را برگزار کردیم. سال ۹۵ یکی از معاونان من به جلسه‌ای می‌رود که رئیس آن خانم دستجردی بودند. کمیسیون امر به معروف و نهی از منکر زنان و خانواده بود که رئیس آن خانم دکتر وحیددستجردی بودند. اتفاقا خانم محرز را آنجا دعوت کرده بودند و این صورت‌جلسه را من نمی‌دانم چرا آنجا انگار به من الهام شد که این را نگه دارم. عینا همین عبارات، همین واژه sexworker را خانم محرز آنجا چندین بار به کار بردند و همان نتیجه‌گیری و جمع‌بندی‌ای که اینجا انجام داده بود، آنجا استفاده کرد.

◣ خانم ابتکار! شما به‌عنوان آخرین معاون زنان یعنی نزدیک‌ترین معاون به دوره فعلی هستید. چه هجمه‌هایی را آن موقع تحمل می‌کردید که الان عادی شده است؟ یعنی دیگر درباره‌اش صحبت می‌شود و تابو نیست. مثلا یادم هست که آن موقع‌ها وقتی درباره ورزشگاه صحبت می‌شد، همیشه حمله می‌شد که آیا مشکل زنان رفتن به ورزشگاه است؟ آیا مسئله زنان این است؟ حالا خیلی راحت درباره این مسئله صحبت می‌شود. شما با چه هجمه‌هایی روبه‌رو بودید؟

ابتکار: ببینید! مسئله؛ دادن آدرس غلط است. اینکه نگرانی از تسلط و نفوذ بیگانگان وجود دارد درست است؛ ولی تسلط و نفوذ از این طریق نیست. از طریق از دست رفتن مرجعیت رسانه‌های داخلی و رسانه ملی است. وقتی رسانه ملی کشور به دلیل سیاست‌های یک‌طرفه و سانسور، مرجعیت خود را از دست می‌دهد، آسیب اتفاق می‌افتد. در دوره‌ای از تاریخ کشور قرار داریم که از نظر تسلط بیگانگان بر افکار عمومی سابقه ندارد. چرا؟ به خاطر تسلط‌شان در جریان خبر و تحلیل بر افکار عمومی مردم. آن وقت در داخل این موضوع را رها می‌کنند، چرا؟ چون مرجعیت را از دست داده‌اند و بعد موضوعاتی را مطرح می‌کنند که اصلا واقعیت ندارد، به این می‌گویند «آدرس غلط». آدرسی می‌دهند که درست نیست و با معیارهای دینی هم سازگار نیست؛ در سوره حجرات می‌فرماید: إِنْ جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَإٍ فَتَبَيَّنُوا أَنْ تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصْبِحُوا عَلَى مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ: وقتی یک نفر فاسق خبری برای شما می‌آورد، اول آن را تبیین کنید و پخش نکنید. پس چطور مطلبی که اثبات نشده را برای حذف رقیب جار می‌زنند؟ قرآن تصریح می‌کند همدیگر را با لقب‌های زشت صدا نکنید. چطور این القاب زشت را به کار می‌برند؟ به روایاتی استناد دارند که مجوز بهتان‌زدن می‌دهد؛ باهتو، یعنی می‌توانید بهتان بزنید. درحالی‌که بحث آن «بُهت» است. شهید مطهری در این مورد می‌گویند پرونده‌سازی نکنید و نحوه استناد نادرست است. ما متأسفانه با یک چنین جماعتی مواجه هستیم که آدرس غلط می‌دهند و بیشترین بی‌اعتمادی و ناامیدی را در مردم ایجاد کرده‌اند که امروز بسیاری از جوانان و مردم چشم‌اندازی از آینده نمی‌بینند. اینجا البته فقط به بحث زنان اشاره می‌کنیم، در حوزه محیط زیست هم چنین است و در عرصه سیاست خارجی و سایر زمینه‌ها که چه اتهاماتی به نیروهای اصیل، تأثیرگذار و مثبت‌اندیش زدند تا حذف‌شان کنند. مگر برنامه ثریا در دولت یازدهم یک نامه جعلی را از طرف فردی به نام جمشید آرین علیه من مطرح نکرد که ثابت شد جعل سند است و سازمان حفاظت محیط زیست نقشی در توقف تولیدش- اگر بپذیریم درمورد تولیدش راست می‌گفته- نداشته است؛ اما هنوز براساس همان دروغ برنامه ثریا در سیما، کلیپ‌هایی وایرال می‌شود.

عکس: سهند تاکی، شرق

◣ الان همه برنامه‌های شما کنار گذاشته شده؟

ابتکار: همه این برنامه‌ها در استان‌ها تصویب و یک سال هم تا پایان دولت اجرائی شد. سامانه رصد پایش مستمر آن هم راه‌اندازی شد. شناسنامه شاخص‌های عدالت جنسیتی هم از طرف مرکز آمار به صورت تخصصی و علمی مبتنی بر ارزش‌های بومی تهیه و ابلاغ شد و اجرا شد. این را پیگیری کنید که می‌تواند بسیار امید ایجاد کند. حالا می‌خواهید روزآمد کنید یا بُرِش شهرستانی به آن بدهید، خیلی خوب است؛ ولی پله‌هایی را که سبب ارتقای وضعیت زنان می‌شود، خراب نکنید که دوباره برگردیم سر جای اول و دوباره ایجاد ناامیدی در دختران جوانی که امیدشان مثلا ایجاد فضای ورزشی در شهرشان است.

◣ لایحه تأمین امنیت چه شد؟

ابتکار: به پشتوانه کاری که در سال‌های قبل صورت گرفته بود، توانستیم در دولت دوازدهم حدود ۳۰ پیشنهاد و لایحه درباره معضلات و مسائل واقعی زنان و خانواده ارائه دهیم تا راه‌گشا باشد. اینها همه سند پشتیبان فقهی و حقوقی دارد و در نشست‌های متعدد تخصصی در قم با حضور فقها و صاحب‌نظران انجام گرفته است. ازجمله لایحه حفظ کرامت و تأمین امنیت زنان در برابر خشونت که با اجماع قوه قضائیه و تأیید و امضای آقای رئیسی و تصویب در دولت برای مجلس رفت؛ ولی متأسفانه پنج ماه اعلام وصول نشد؛ یعنی همین برخوردهای سیاسی، درصورتی‌که اصلا موضوع سیاسی نیست و مورد اجماع بین قوا و جناح‌ها بود. در اولین ملاقات دولت دوازدهم با مقام معظم رهبری، مسئله خشونت خانوادگی مورد تأکید ایشان بود که باید شرایط ناامن‌کننده و کاهش‌دهنده جاذبه خانواده کم شود و این امر باید پشتوانه قانونی داشته باشد. پنج ماه که به خاطر عدم اعلام وصول در مجلس متوقف شد و بعد آخرین اخباری که داریم، دوباره لایحه را به دولت برگشت داده‌اند؛ یعنی دولت فعلی درخواست داده که لایحه دوباره برگردد! این همه سال انتظار برای یک لایحه که بتواند به شرایط عادلانه و اخلاقی داخل خانواده کمک کند؟ دوباره سر جای اول برگشتیم؟ آیا این ناامیدی ایجاد نمی‌کند؟ یا لایحه‌ای که در ارتباط با بحث تشدید مجازات پدر در صورت قتل فرزند بعد از فاجعه کشتن رومینا ارائه شد که آن را هم با تأیید قوه قضائیه فرستادیم، چرا بیش از یک سال است متوقف مانده؟ همین‌طور لایحه سومی برای اجازه برداشت مادر از حساب جاری یا مدیریت حساب‌های سرمایه‌گذاری و بورس فرزند که از سوی مادر ایجاد شده است؛ واقعا چرا مادر نباید اجازه برداشت داشته باشد؟ چرا قداست مادری را فقط شعار می‌دهند؛ ولی وقتی پای عمل می‌رسد، پیشنهاد ساده درج نام مادر در کارت ملی با راهکارهای فنی قابل ارائه رد و بعد اتهام‌زنی‌های عجیب‌وغریبی شروع می‌شود؟ چرا همسر شهیدی با من تماس می‌گیرد که وقتی با فرزندش به فرودگاه رفته و فقط کارت ملی همراهش بوده نتوانسته ثابت کند این فرزند اوست و برایش مشکل پیش آمده؟ این مشکل را دو سال پیگیری کردیم و متأسفانه به در بسته خوردیم. همین‌طور مسئله گذرنامه که لایحه خوبی برایش تدوین شد و در دستور کار دولت است که تصویب شود؛ ولی شش ماه گذشته و خبری نیست. انتظار داشتیم این لوایح با نگاهی که آقای رئیسی در قوه قضائیه داشتند و این موارد را تأیید کردند و در جریان هستند، به نتیجه برسد.

شجاعی: می‌خواهم بگویم یک جریانی در این مملکت وجود دارد و این جریان ادامه دارد و تابلو ندارد. یک زمانی تابلوی خودشان را پایین کشیدند و با نامه‌ای که به امام دادند، گفتند ما جلسات خودمان را تعطیل می‌کنیم؛ یعنی همان تفکری که دین را از سیاست جدا می‌داند، همان تفکر هم خواستار حضور اجتماعی و سیاسی زنان در جامعه نیست؛ یعنی زن را یک موجود خانگی می‌داند. زن موجودی است که فقط باید فرزند تولید کند. زن موجودی است که اگر همسر اولش رضایت داد، می‌تواند همسر دوم هم برای همسرش انتخاب کند و این تفکراتی که شما در جامعه می‌بینید.

ما هیچ مانیفستی یا منشوری که نشان بدهد دیدگاه نظام جمهوری اسلامی ایران راجع به زن چیست، نداریم. این هم که الان اسمش منشور است، والا منشور نیست. منشور یک تعریفی دارد. مانیفست یک تعریفی دارد. منشور باید باورها را بگوید، چشم‌انداز را بگوید و راهبردها را بگوید. شما در کجای این منشور حقوق و تکالیف فردی، اجتماعی و خانوادگی چشم‌انداز می‌بینید؟ کجا شما راهبرد می‌بینید؟ خیلی زحمت کشیدند، دستشان درد نکند، ۱۶ سال طول کشید تا این را تهیه کردند! اما یک فهرستی از حقوق و تکالیف زن درآوردند و آن وقت مثلا حجاب که یک تکلیف برای زن است، به عنوان حق برای زن تعیین کردند. حالا بگذریم؛ نمی‌خواهم وارد محتوا شوم. بنابراین چون ما یک سند مورد قبول اجماعی که نظام قبول داشته باشد (سند بالادستی) نداریم، بنابراین اینکه شما می‌بینید هر دولتی می‌آید یک کاری انجام می‌دهد، آن دولت بعدی می‌آید تخطئه می‌کند، لایحه را برمی‌گردانند، معطل نگه می‌دارند و به‌اصطلاح فرار می‌کنند. این یک مسئله بسیار بسیار اساسی است. مطالبات زنان بسیار گسترده و متنوع است؛ از ورود به ورزشگاه تا اذن خروج از منزل تا اجبار در حجاب، حضانت فرزند، دیه، ارث، حقوق سیاسی، رئیس‌جمهورشدن، اجازه طلاق، خشونت علیه زنان و... اینها مسائل بسیار وسیع و گسترده‌ای است. اگر قرار به پرداختن به آنها باشد و اگر قرار باشد که راجع به اینها کار شود، یک امر بسیار... باید حجم کار و بزرگی کار را دید و بعد ارزیابی کرد.

به دلیل مسئله بسیار ساده‌ای که همیشه هم البته در رأس امور است به نام «حجاب» بین مراجع ما اتفاق نظر وجود ندارد که حد حجاب چیست. من که الان در خدمت شما هستم، به نظر برخی از مراجع بنده الان بی‌حجاب هستم و الان خلاف شرع انجام دادم چون وجه و کفین من پیداست و این را باید بپوشانم. این را از اینجا شما بگیرید تا آن حدی که سر تراشیده بدون مو در تلویزیون در فیلم زندان زنان نشان داده شد که می‌گویند اشکال ندارد! یعنی دیگر آنجا بی‌حجابی محسوب نمی‌شود. می‌خواهم بگویم روی یک مسئله کوچک اتفاق نظر وجود ندارد، چه برسد به مسئله قضاوت زن، شهادت زن، امارت زن، مرجعیت زن و... .

مولاوردی: من در پایان می‌خواهم به دو، سه نکته اشاره کنم؛ یکی این بحث است که تا زمانی که این اتهام‌زنی‌ها سکه رایج باشد و پرونده‌هایی باز بشود و باز بماند یعنی الی‌الابد الان بعضی پرونده‌ها باز است دیگر، بسته نمی‌شود و مختومه نمی‌شود، حتی من در جریان دادگاه‌ها متوجه شدم که قبلا دادنامه‌هایی علیه من صادر شده بود که اعتبار امر مختومه پیدا کرده ولی مورد استناد قاضی قرار گرفته است؛ درحالی‌که ما در مانیفست و منشور جدید قوه قضائیه هم داریم که منع محاکمه مجدد. مواردش هست که به وقتش به آن در مناسبت‌های دیگر اشاره خواهم کرد. این پرونده‌ها تا زمانی که باز بماند و مختومه اعلام نشود حالا نه در جریان قضائی بلکه به‌طورکلی در ذهنمان، در افکارمان، در بیانمان و در گفتارمان؛ من بعید می‌دانم کمکی بشود به اینکه آن گسست‌های اجتماعی را که متأسفانه نگران‌کننده است و از همه ابعاد بتوانیم راه این گسست‌ها را در واقع ببندیم و فاصله‌ها را کم کنیم چون این حاشیه‌سازی‌ها و حاشیه‌پردازی‌ها اصلا اجازه/ فرصت نمی‌دهد که به این محورهای اساسی در جامعه خودمان که الان دیگر همه به آن راست و چپ و اصولگرا و اصلاح‌طلب معترف هستیم و عموم مردم به‌عینه دارند مشاهده می‌کنند، اینها را در نظر بگیریم.

آگهی مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده شرکت کار و اندیشه (سهامی خاص) ثبت شده بشماره ۴۷۰۶۱ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۹۲۲۸۰۲

بدینوسیله از کلیه سهامداران شرکت دعوت میشود تا در جلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده که در ساعت ۱۰ صبح مورخ ۰۵ / ۱۲ / ۱۴۰۰ روز پنجشنبه در محل اصلی وقانونی شرکت کار و اندیشه تشکیل میگردد حضور بهم رسانند.

دستور جلسه:

۱ – صورت های مالی و عملکرد هیئت مدیره منتهی به سال۹۹

۲ – انتخاب بازرس قانونی

هیات مدیره شرکت

آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی حوزه ثبتی میاندورود))

نظر به دستور مواد ۱ و ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مصوب۱۳۹۰/۹/۲۰ و برابر رای شماره ۲۲۰۰۴۰۳۱ مورخ ۱۴۰۰/۱۰/۱۲ هیات میاندرود کلاسه۱۴۰۰/۲۱۷موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی میاندرود تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضی آقای مبین عرب خزایلی. فرزند محسن نسبت به ۶.دانگ /..............سهم /....از ۶. ششدانگ یک قطعه زمین محصور به مساحت ۵۶۰,۱۹ متر مربع به شماره پلاک .... فرعی از ۱۲ اصلی واقع در ولوجا بخش ۹ خریداری مع الواسطه / بدون واسطه از آقای / خانم بنیاد مستضعفان انقلاب اسلامی مالک رسمی محرز گردیده است لذا به موجب ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی و ماده ۱۳ آئین نامه مربوطه این آگهی در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز از طریق این روزنامه و محلی / کثیر الانتشار در شهرها منتشر و در روستاها رای هیات الصاق تا در صورتیکه اشخاص ذینفع به آرای اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از تاریخ انتشار اولین آگهی و در روستاها از تاریخ الصاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم و رسید اخذ نمایند. معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نماید و گواهی تقدیم دادخواست به اداره ثبت محل تحویل دهد که در این صورت اقدامات ثبت موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است و در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض، گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل را ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می نماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست. م الف ۱۲۶۳۶۱۸

تاریخ انتشار نوبت اول:۱۴۰۰/۱۱/۲ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۰/۱۱/۱۶

قدیر یوسفی نیا رئیس اداره ثبت اسناد و املاک میاندورود

آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی حوزه ثبتی قائم شهر

نظر به دستور مواد ۱ و ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مصوب۱۳۹۰/۹/۲۰املاک متقاضیانی که در هیات موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی قائم شهر مورد رسیدگی و تصرفات مالکانه و بلا مفارض آنان محرز و رای لازم صادر گردیده جهت اطلاع عموم به شرح ذیل آگهی می گردد .

املاک متقاضیان واقع در قریه آبندانسر ۴۸ اصلی بخش ۱۶

۴۷۰۰ فرعی بنام آقای علی محمد بنداد کرمانی نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین که درآن احداث بنا شده است که به مساحت ۳۴۴/۶۰متر مربع خریداری مع الواسطه از آقای خیراله محسنی مالک رسمی. لذا به موجب ماده۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی و ماده ۱۳ آئین نامه مربوطه این آگهی در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز از طریق این روزنامه محلی اکثیرالانتشار در شهرها منتشر و در روستاها علاوه بر انتشار آگهی، رای هیات الصاق تا در صورتیکه اشخاص ذینفع به آرای اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از تاریخ انتشار اولین آگهی و در روستاها از تاریخ الصاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم و رسید اخذ نمایند. معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نماید و گواهی تقدیم دادخواست به اداره ثبت محل تحویل دهد که در این صورت اقدامات ثبت موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است و در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می نماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست. بدیهی است برابر ماده ۱۲ آئین نامه مذکور در مورد قسمتی از املاکی که قبلا اظهار نامه ثبتی پذیرفته نشده، واحد ثبتی با رای هیات پس از تنظیم اظهارنامه حاوی تحدید حدود، مراتب را در اولین آگهی نوبتی و تحدید حدود به صورت همزمان باطلاع عموم می رساند و نسبت به املاک در جریان ثبت و فاقد سابقه تحدید حدود، واحد ثبتی آگهی تحدید حدود را به صورت اختصاصی منتشر می نماید. م الف ۱۲۷۱۰۷۴

تاریخ انتشارنوبت اول ۱۴۰۰/۱۱/۱۶ تاریخ انتشار نوبت دوم ۱۴۰۰/۱۱/۳۰

رحمت سلمانی قادیکلایی رئیس اداره ثبت اسناد و املاک قائم شهر